



بررسی اصول و روش‌های تربیت اخلاقی

در روایات امام رضا علیه السلام

دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۳۰ پذیرش: ۱۴۰۱/۱/۳۱

مرتضی قاسمی^۱، رسول محمدجعفری^۲، محمد حسن میرزا محمدی^۳

چکیده

پرورش اخلاقی مسلمانان یکی از اهداف اساسی آموزه‌های قرآنی و حدیثی است. استخراج این آموزه‌ها و تبیین آن‌ها به صورت روشمند در قالب اصول و روش‌های تربیت اخلاقی، زمینه آگاهی از نظام اخلاقی در اسلام را فراهم می‌آورد. در میان روایات ائمه علیهم السلام و روایات به جای مانده از امام رضا علیه السلام، گزاره‌ها و گزارش‌های فراوانی در موضوع اخلاق وجود دارد. این پژوهش، به روش توصیفی تحلیلی در پی پاسخ به این سؤال است که اصول و روش‌های تربیت اخلاقی در روایات امام رضا علیه السلام کدام است؟ برای پاسخ به پرسش تحقیق، احادیث ایشان استخراج و دسته‌بندی و تحلیل شد. یافته‌های تحقیق حاکی است که اصول تربیت اخلاقی عبارت است از: تغییر رفتارهای ظاهری، تحول باطن، مداومت و محافظت بر عمل، اصلاح شرایط، مسئولیت، آراستگی، فضل، عدل، عزت و تعقل. تحقق این اصول، روش‌هایی مانند تلقین به نفس، تحمیل به نفس، اعطای بینش، دعوت به ایمان، فریضه‌سازی، محاسبه نفس، زمینه‌سازی، تغییر موقعیت، اسوه‌سازی، مواجهه با نتایج اعمال، تحریک ایمان، ابتلا، آراستن ظاهر، آراستن سخن، توبه، تبشیر، مبالغه در پاداش، تکلیف به قدر وسع، انذار، مجازات به قدر خطا، تغافل، تزکیه، تعلیم حکمت به عنوان روش‌های دفع و درمان رذایل شناسایی شده است.

کلیدواژه‌ها: تربیت اخلاقی، روایات امام رضا علیه السلام، اصول تربیتی، روش‌های تربیتی.

۱. کارشناس ارشد رشته علوم قرآن و حدیث، دانشگاه شاهد. morteza.ghasemi.1661@gmail.com

۲. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه شاهد (نویسنده مسئول): r.mjafari@shahed.ac.ir

۳. دانشیار گروه علوم تربیتی دانشگاه شاهد: mirzamohammadi@shahed.ac.ir

مقدمه

تزکیه جان انسان‌ها به تصریح آیاتی چند از قرآن از اهداف مهم خداوند برای فرستادن آخرین رسولش به سوی انسان‌ها بوده است: «...يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ» (آل عمران، ۱۶۴؛ جمعه، ۲). رسول خدا ﷺ خود نیز تشویق به تحصیل مکارم اخلاق کرده و خود را مبعوث بدان دلالت داده است: «عَلَيْكُمْ بِمَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ فَإِنَّ اللَّهَ بَعَثَنِي بِهَا» (طوسی، ۱۴۱۴ق: ۴۷۸). این وظیفه سترگ پس از وفات آن حضرت به ائمه علیهم‌السلام واگذار شد و آن پیشوایان دین، یک‌به‌یک به فراخور فضای زمانه بدان اهتمام داشتند تا نوبت به امام رضا علیه‌السلام رسید. روایات و اخبار واردشده از آن حضرت، بیانگر عنایت گسترده ایشان برای تربیت اخلاقی مردمان بوده است.

بررسی و تحلیل روایات آن حضرت در این حوزه در قالب‌های مختلف امکان‌پذیر و پژوهش‌هایی نیز در این حوزه سامان یافته است؛ سپهری (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان «اخلاق و نظام اخلاقی در مکتب امام رضا علیه‌السلام» اخلاق اخوانی و خانوادگی حضرت را تبیین و زهد و عبادت حضرت را به لحاظ کمی و کیفی تبیین و از تعلیم و مناظره حضرت نمونه‌هایی را بیان کرده است. فقیه اسفندیاری (۱۳۹۱) در مقاله «سیری در منظومه تربیتی - اخلاقی امام رضا علیه‌السلام» به مطالعه سیره رضوی از این منظر پرداخته که تربیت به‌عنوان یک اصل کلی با زیرمجموعه‌ای فراگیر در حوزه‌های اخلاق فردی، خانوادگی، اجتماعی سیاسی و... در دستور کار آن حضرت بوده و در دوره‌های مختلف زندگی خود، چه در مدینه و چه خراسان به آن پرداخته‌اند.

۱. پیشینه پژوهش

یکی از قالب‌های روشمند برای تحلیل روایات تربیت اخلاقی امام رضا علیه‌السلام، تبیین اصول و روش‌های تربیت اخلاقی است. رویکرد پرداختن به موضوع اصول و روش‌های تربیتی به صورت عام و تربیت اخلاقی به صورت خاص را باقری در داخل کشور با تألیف کتاب «نگاهی دوباره به تربیت اسلامی» بر اساس روش استنتاجی بازسازی شده «ویلیام فرانکنا» آغاز کرد.

با اقتباس از این اثر، کتاب‌ها، پایان‌نامه‌ها و مقالات متعددی برای تبیین اصول و روش‌های تربیتی در ساحت‌های مختلف تربیتی؛ تربیت اجتماعی، تربیت اجتماعی کودک، تربیت سیاسی، تربیت شهروندی و تربیت اخلاقی نگاشته شد. مانند: «بررسی مبانی و روش‌های تربیت اجتماعی از دیدگاه امام سجاد (علیه السلام) در صحیفه سجادیه»، «اصول و روش‌های تربیت اجتماعی کودک بر اساس قرآن و نهج البلاغه»، «بررسی اهداف و اصول و روش‌های تربیت سیاسی بر مبنای نهج البلاغه»، «بررسی مفهوم تربیت شهروندی در نهج البلاغه و استخراج دلالت‌های تربیتی آن». در میان ساحت‌های تربیتی، تربیت اخلاقی بیش از دیگر ساحت‌ها پژوهش شده و چندین اثر در این حوزه سامان یافته است؛ پایان‌نامه «اهداف، اصول و روش‌های تربیت اخلاقی در سیره و کلام امام علی (علیه السلام) و تبیین ارزش‌شناسی آن» از افسانه ترک (۱۳۸۸)، مقاله «بررسی مبانی اصول و روش‌های تربیت اخلاقی از دیدگاه امام صادق (علیه السلام)» تألیف فرمهبینی فراهانی (۱۳۸۸) و پایان‌نامه «مبانی، اصول و روش‌های تربیت اخلاقی در سیره پیامبر ﷺ و اهل بیت (علیهم السلام)» نگاشته اقبالیان (۱۳۹۱) از جمله این پژوهش‌هاست.

چنان‌که گذشت، در خصوص روایات و سیره تربیتی امام رضا (علیه السلام) نیز تحقیقاتی صورت گرفته است اما بررسی‌ها و جست‌وجوها نشان می‌دهد که تحقیقی به استخراج و تبیین اصول و روش‌های تربیت اخلاقی در روایات امام رضا (علیه السلام) نپرداخته است. این در حالی است که بررسی روایات امام رضا (علیه السلام) نشان می‌دهد که آن حضرت بر تربیت اخلاقی تأکید کرده و استخراج اصول و روش‌های تربیتی از دیدگاه ایشان در قالب یک تحقیق دانشگاهی تاکنون سامان نیافته است. برای اطمینان از نوآوری پژوهش، ابتدا پیشنهاد (پروپوزال) به ایرانداک (پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران) ارسال و پس از تاییدیه گزارش ایرانداک مبنی بر نوآوری پژوهش، در قالب پایان‌نامه دانشگاهی نگاشته شد. این نوشتار مستخرج از آن پایان‌نامه و درصدد پاسخ به این سؤال است که اصول و روش‌های تربیت اخلاقی در روایات امام رضا (علیه السلام) کدام هستند؟

۱-۱. روش پژوهش

این پژوهش از نظر هدف بنیادی و با روش توصیفی تحلیلی از نوع تحلیل مفهومی صورت

گرفته است. در این تحقیق، ابتدا روایاتی که به اصول یا روش‌های تربیت اخلاقی خاصی به صورت مستقیم یا غیرمستقیم اشاره داشته‌اند، استخراج شده و طبق اصل یا روش تربیتی دسته‌بندی شده‌اند. آن‌گاه به تحلیل و بررسی هر یک پرداخته می‌شود. در بیان روش‌های تربیتی، به جای آنکه سلسله‌ای از روش‌ها بدون ضابطه در کنار هم آورده شود، آن‌ها بر حسب قرارگرفتن در دامنه اصول تربیتی مختلف، دسته‌بندی شده و هر دسته ذیل اصل مربوط قرار گرفته‌اند.

۲. اصول و روش‌های تربیت اخلاقی در روایات امام رضا (علیه السلام)

در هر شاخه‌ای از علوم بشری که واژه «اصل» به کار می‌رود، معنایی متناسب با آن شاخه دارد. در علوم کاربردی نیز «اصل» متناسب با فضا و اقتضای همان دانش، به‌نحو خاصی یک اصطلاح است. وقتی از «اصل» در علوم کاربردی که مشتمل بر علوم تربیتی است، صحبت می‌شود، می‌باید متناسب با ویژگی این علوم، معنای مشخص و معینی برای آن در نظر گرفت. این علوم درصدد ایجاد تغییرات مثبت و مطلوب در زمینه‌های مختلف هستند. هدف این علوم تحصیل قواعد کلی برای تعیین و هدایت تغییرات مد نظر است. بر این اساس، اصول تربیت، مجموعه قواعدی هستند که با نظر به قانونمندی‌های مذکور، اعتبار می‌شوند و به‌منزله دستورالعملی کلی و راهنمای عمل، تدابیر تربیتی را هدایت می‌کنند. روش‌های تربیت نیز از سنخ اصول تربیت هستند، با این تفاوت که جزئی‌ترند (باقری، ۱۳۹۶: ۸۷-۸۸). با این تبیین که روش‌های تربیتی مجموعه قواعد تربیتی هستند که از اصول تربیتی متفرع می‌شوند و در قالب دستورالعمل‌های جزئی تدابیر تربیتی را هدایت می‌کنند.

تربیت اخلاقی، مجموعه‌ای از فعالیت‌های تربیتی، به‌منظور از میان بردن صفات رذیلت و ایجاد صفات فضیلت است (داودی و حسینی‌زاده، ۱۳۸۹: ۸). در تعریفی جامع‌تر «تربیت اخلاقی عبارت است از: فرایند زمینه‌سازی، معرفی و به‌کارگیری راهکارهای شناختی، انگیزشی و عملی و از طرفی دیگر، از میان بردن موانع آن‌ها به‌منظور تزکیه نفس انسانی (رشد و شکوفایی آن) با هدف نیل به سعادت و کمال انسانی که با استمداد از الطاف الهی، انبیا و

معصومان (علیهم السلام) و مربیان ربانی انجام می‌شود» (فقیه‌ی، ۱۳۹۳: ۸۲).

هر اصل تربیت اخلاقی یک یا چند روش تربیتی دارد که چهارچوب مفهومی تحقیق برابندی از اصول و روش‌های تربیت اخلاقی در سیره و روایات امام رضا (علیه السلام) است.

روش‌های تربیتی	اصول تربیتی
تلقین به نفس	تغییر ظاهر
تحمیل به نفس	
اعطای بینش	تحول باطن
دعوت به ایمان	
فریضه‌سازی	مداومت و محافظت بر عمل
محاسبه‌ی نفس	
زمینه‌سازی	اصلاح شرایط
تغییر موقعیت	
اسوه‌سازی	
مواجهه با نتایج اعمال	مسئولیت
تحریک ایمان	
ابتلا	
آراستن ظاهر	آراستگی
تزیین کلام	
توبه	فضل
تبشیر	
مبالغه در پاداش	
تکلیف به قدر وسع	عدل
انذار	
مجازات به قدر خطا	

تغافل	عزت
تزکیه	تعقل
تعلیم حکمت	

۲-۱. اصل تغییر رفتارهای ظاهری

طبق این اصل، برای تغییر و تحول در باطن انسان، باید ظاهر انسان تغییر یابد یا امکان این کار را برای او فراهم کرد (باقری، ۱۳۹۶: ۹۲). اصل تغییر رفتارهای ظاهری در روایات امام رضا (علیه السلام) دارای دوروش تربیتی «تلقین به نفس» و «تحمیل به نفس» است.

۲-۱-۱. تلقین به نفس

تلقین به نفس یعنی از طریق به زبان آوردن قولی معین، تغییری به مقتضای آن در ضمیر پدید آید. تلقین می‌تواند فعلی باشد یعنی با آشکار ساختن عملی در اعضا و جوارح، سایه و طنین آن عمل به باطن افکنده شود (باقری، ۱۳۹۶: ۹۳)، برای نمونه، از امام رضا (علیه السلام) نقل شده است: «دندان‌های خود را ظاهر نکن در حالی که مرتکب کارهای زشتی شده‌ای، شب‌ها راحت نباش در حالی که بدی‌هایی را مرتکب شده‌ای» (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۲: ۲۷۳؛ عطاردی، ۱۴۱۳ق، ج ۱: ۲۷۶).

آشکار نکردن دندان‌ها کنایه از خنده و شادمانی پس از ارتکاب عملی زشت است؛ صدور چنین رفتاری از انسان به معنای نوعی بی‌اعتنایی به گناهی است که شخص، مرتکب شده است. چنین رفتاری نوعی تلقین فعلی است که زمینه توبه را در انسان کم‌رنگ می‌نماید. در نقطه مقابل، اظهار ناراحتی و پشیمانی در پی ارتکاب گناه، حتی اگر پشیمانی حاصل جوشش درونی نباشد چه بسا موجب شود که اندک‌اندک حس پشیمانی به درون انسان راه یابد و زمینه توبه و رهایی از گناه فراهم شود. بخش دوم سخن امام (علیه السلام) ناظر به تلقین قولی به شکلی دشوارتر، ضد هوای نفس است. با این توضیح که آسودگی نداشتن به هنگام خفتن شبانگاه، در حالی که گناهایی از انسان در طول روز سرزده است، حساب‌کشی از نفس سرکش و مؤاخذه و معاقبه آن به منظور اصلاح و تربیت است.

۲-۱-۲. تحمیل به نفس

انسان همواره در معرض خطر هواهای نفسانی است؛ زیرا نفس به دنبال دنیاطلبی و رفاه و راحتی خویش است. پس اگر انسان آن را رها کند، به تدریج عقل را مقهور خویش ساخته و آدمی را به نابودی می‌کشاند؛ بنابراین لازم است انسان به‌رغم کراهت نفس، اموری را به خود تحمیل و بدین طریق نفس سرکش را رام کند (دهشیری، ۱۳۷۰: ۱۶۲).

در باره سیره امام رضا (علیه السلام) نوشته شده است که حضرت بسیار کم می‌خوابیدند و زیاد روزه می‌گرفتند. این خصوصیات رفتاری نشان‌دهنده آن است که حضرت این حالات را بر نفس خود تحمیل کرده‌اند: «شب‌ها کمتر به خواب می‌رفت و بسیاری از شب‌ها را بیدار بود. بعضی از شب‌ها را از اول شب تا صبح بیدار می‌ماند و زیاد روزه می‌گرفت» (ابن بابویه، ۱۳۷۸ق، ج ۲: ۱۸۴؛ عطاردی، ۱۴۱۳ق، ج ۱: ۴۵).

عبادت‌هایی که به صورت فریضه‌اند، گاه نمی‌توانند از طغیان نفس جلوگیری کنند. پس تحمیل دشواری شب‌زنده‌داری و روزه‌داری با وجود گران آمدن بر نفس، سرکشی نفس را مهار می‌گرداند. البته باید توجه داشت که در روش مزبور، نباید تحمیل چنان باشد که دلزدگی را موجب شود؛ زیرا در این صورت ممکن است اصل عبادت و بلکه دینداری کنار نهاده شود، در حالت دلزدگی و رویگردانی نفس از بندگی به مدارای با آن توصیه شده است (سیدرضی، ۱۴۱۴ق: ۴۶۰).

۲-۲. اصل تحول باطن

هر گاه رفتاری مطلوب در ظاهر کسی پدیدار نشد، می‌توان آن را ناشی از وضعیتی درونی دانست. بر اساس این ویژگی، یکی از اصول تربیت باید ناظر به ایجاد تحول باطنی باشد. اصل «تحول باطن» بیانگر آن است که در تربیت باید به فکر تحول درونی بود (باقری، ۱۳۹۶: ۱۰۳). برای این اصل در روایات امام رضا (علیه السلام) دو روش تربیتی «اعطای بینش» و «دعوت به ایمان» به دست آمد.

۲-۲-۱. اعطای بینش

رفتارها و اعمال هر فرد، در جهان بینی او ریشه دارد. از جمله لوازم اصلاح باور غلط، بر خورداری از بینش صحیح است. درباره این روش می توان به روایتی از امام رضا علیه السلام اشاره کرد که فرموده اند: «هرکس به کسانی که از پیش خود سخن می گویند، گوش فرا دهد، فنا و نابود خواهد شد و هر که به سخنانی که از غیر طریق خداوند گفته می شود، گوش دهد، مشرک است. راه مطمئن برای دریافت وحی خداوند، محمد صلی الله علیه و آله هستند» (ابن بابویه، ۱۳۷۸ق، ج ۲: ۹؛ عطاردی، ۱۴۱۳ق، ج ۲: ۹۰).

برخی بر این گمان هستند که گوش فرا دادن به سخنان بی پایه دیگران، اثری در افکار و رفتار آنان بر جای نخواهد گذاشت. این روایت چنین تصویری را به چالش می کشد و با ارائه بینشی صحیح هشدار می دهد که شنیدن سخنان باطل برای غالب افراد به خصوص کسانی که قدرت تمییز مسائل را ندارند، تأثیر سوء دارد و آنان را به گمراهی می کشاند. وقتی سایه سخنان باطل بر اثر شنیدن به درون انسان بیفتد، سرانجام بر اعمال او نیز تأثیر نامطلوبی خواهد گذاشت. این روایت و دیگر روایات مشابه در صدد اعطای بینش برای جلوگیری و پیشگیری از افتادن در ورطه های ضلالت هستند.

۲-۲-۲. دعوت به ایمان

ایمان، امری اختیاری است و با خواسته خود فرد در قلب او جای می گیرد و دعوت بر اصل اختیار انسان ها استوار است و اکراه در آن راه ندارد. امام رضا علیه السلام فرمودند: خداوند «وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَأَمَنَّ مَنْ فِي الْأَرْضِ كُلَّهُمْ جَمِيعاً» (یونس، ۹۹) را بر پیامبر صلی الله علیه و آله فرو فرستاد تا مردم بدانند که اگر خداوند می خواست آنان به اجبار ایمان می آوردند؛ چنان که هنگام مرگ و دیدن عذاب ایمان می آورند و در این صورت شایسته پاداش و ستایشی نخواهند بود و من از آنان خواسته ام که با اختیار و بدون اضطراب ایمان بیآورند تا سزاوار تقرب، کرامت و خلود در بهشت گردند» (ابن بابویه، ۱۳۹۸ق: ۳۴۱-۳۴۲؛ عطاردی، ۱۴۱۳ق، ج ۱: ۱۳۵).

بر این اساس، در روش دعوت به ایمان، اجبار و اضطرار، جایگاهی ندارد و دعوت بر پایه آگاهی و اعطای بینش است، چنان‌که آن را سیره پیامبر ﷺ و پیروان آن حضرت دانسته است: «قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي» (یوسف، ۱۰۸) و دعوت آگاهانه بر سه روش حکمت، موعظه و جدال نیکو، استوار است: «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» (نحل، ۱۲۵).

همچنین ایمان تنها محدود به زبان یا اعمال نیست؛ امام رضا (علیه السلام) در جواب پرسش راوی که از ایمان سؤال کرده بود، فرمودند: «ایمان پیوند قلبی، اقرار به زبان و عمل با اعضا و جوارح است. ایمان بدون این‌ها محقق نمی‌گردد» (ابن بابویه، ۱۳۷۸ ق، ج ۱: ۲۲۶؛ عطاردی، ۱۴۱۳ ق، ج ۱: ۲۵۹). ایمان در حقیقت امری قلبی است که در وجود انسان جایگاه می‌یابد و اقرار به زبان و عمل با اعضا و جوارح به‌عنوان دلیل و علامت ایمان شمرده می‌شود. اقرار صرف زبانی، نشانگر ایمان نیست، همان‌طور که قرآن ایمان افرادی را که تنها با زبان می‌گفتند: «ایمان آورده‌ایم»، رد می‌کند و آن را صرفاً اسلام و نه ایمان می‌داند. امام رضا (علیه السلام)، همسوبا قرآن فرموده‌اند که اسلام غیر از ایمان است، هر مؤمنی مسلمان است ولی هر مسلمانی مؤمن نیست؛ زیرا مؤمن در حال ایمان دزدی، سرقت و شرب خمر نمی‌کند (ابن شعبه حرانی، ۱۳۶۳: ۴۲۱)؛ بنابراین کسی که به زبان خود را مسلمان می‌داند، ولی در عمل پایبند نیست و چنان‌که حضرت فرموده‌اند تارک محرّمات نیست، مسلمان است، اما مؤمن نیست. همچنین اکتفا کردن به اعمال ظاهری بدون تعمق و بینش نیز از حقیقت ایمان دور می‌کند. در روایتی امام رضا (علیه السلام) فرمودند: «عبادت، فراوانی نماز و روزه نیست بلکه عبادت تفکر در امر خداوند عز و جل است» (کلینی، ۱۴۰۷ ق: ۲: ۵۵؛ عطاردی، ۱۴۱۳ ق، ج ۱: ۳).

۲-۳. اصل مداومت و محافظت بر عمل

همراهی مداومت و محافظت ضروری است؛ زیرا مداومت بدون محافظت، سازنده عادات سطحی و خشک است و محافظت بدون مداومت، اصلاً سازنده نیست؛ چون

«حالی» است که اگر بسیار متعالی هم باشد، زایل خواهد شد (دیلمی و آذربایجانی، ۱۳۸۵: ۲۱۲). این اصل در روایات امام رضا علیه السلام شامل دوروش «فریضه‌سازی» و «محاسبه نفس» است.

۲-۳-۱. فریضه‌سازی

فریضه‌سازی در تربیت، تضمین‌کننده مداومت و محافظت است؛ زیرا فریضه کاری است که به هر حال باید انجام گیرد و انجام گرفتن آن، بسته به فراهم آوردن شرایطی است که درباره آن خواسته شده است. این دو جنبه یعنی «الزامی بودن» حکم و «رعایت شرایط» معینی که برای آن قرار داده شده، مداومت و محافظت را میسر می‌سازد (احمدی، ۱۳۸۷: ۷۵). در حدیثی از امام رضا علیه السلام آمده است که خداوند متعال می‌فرماید: «شما را به پرهیزگاری، کوشش، ادای امانت، راستگویی و سجده طولانی، رکوع، شب‌زنده‌داری، طعام دادن و آشکار کردن سلام امر می‌کنم» (مفید، ۱۴۱۳ق «الف»: ۲۵؛ عطاردی، ۱۴۱۳ق، ج ۱: ۲۷۴).

در این روایت، تعبیر «أمرکم» بر فریضه‌سازی دلالت دارد که به آراستگی به صفات کریمه‌ای چون ورع و راستگویی امر شده است. چنین دستورالعمل‌های اخلاقی وقتی به‌عنوان فریضه مطرح می‌شود، جنبه تربیتی خواهد داشت. امر به تلبس صفات اخلاقی مزبور مداومت عمل را فراهم می‌کند و همچنین اشاره حدیث به اعمالی چون طولانی کردن سجده و رکوع به‌عنوان شرایط لازم برای پرهیزکاری، محافظت عمل را تأمین می‌کند.

۲-۳-۲. محاسبه نفس

انسان‌ها در هر درجه‌ای از رشد اخلاقی که باشند، باز در معرض غلبه هوای نفس و خروج از حوزه اخلاق حسنه هستند و چنانچه دایم مراقب اعمال و رفتار خود نباشند، به‌تدریج فضیلت‌های اخلاقی تضعیف می‌شود و رذیلت‌های اخلاقی مجال رشد می‌یابد (داودی و حسینی‌زاده، ۱۳۸۹: ۲۶۸). محاسبه نفس یکی از روش‌های قطعی

تربیتی در آموزه‌های دینی است. از این موضوع مهم در روایات امام رضا (علیه السلام) سخن به میان آمده است: «هرکس حسایش را رسیدگی کند، سود می‌برد و هرکس غفلت ورزد زیان می‌کند» (حلی، ۱۴۰۸: ق: ۲۹۲؛ عطاردی، ۱۴۱۳: ق، ج ۱: ۲۶۴).

از استعمال تعبیر «مَن» در روایت به جای «کُلُّ مؤمن» و امثال آن استفاده می‌شود که محاسبه نفس اختصاص به فرقه، گروه و جنسیت خاصی ندارد و متوجه همه انسان‌هاست. در این روایت، امام (علیه السلام) بر اساس عقل سوداگر انسان‌ها، آنان را به محاسبه نفس تشویق می‌کند و درباره غفلت از آن بر حذر می‌دارد. روش تربیتی محاسبه نفس، به‌عنوان پایه‌ای برای استوارسازی و شکل دادن دیگر روش‌های تربیتی است. هر برنامه تربیتی‌ای زمانی قوام و دوام می‌یابد که به‌طور مستمر در رصد انسان قرار گیرد و موارد توفیق یا ناکامی، بررسی و ارزیابی قرار گیرد.

۲-۴. اصل اصلاح شرایط

اصل اصلاح شرایط بیانگر آن است که برای زدودن پاره‌ای از حالات و رفتارهای نامطلوب و نیز برای ایجاد حالات و رفتارهای مطلوب در انسان باید در شرایط محیطی تغییر ایجاد کرد. تغییر روابط آدمی با شرایط زمانی و مکانی و به‌ویژه شرایط اجتماعی، مبدأ بسیاری از حالات و رفتارهای او است (باقری، ۱۳۹۶: ۱۳۴). این اصل در روایات امام رضا (علیه السلام) دارای سه روش «زمینه‌سازی»، «تغییر موقعیت» و «اسوه‌سازی» است.

۲-۴-۱. زمینه‌سازی

طبق این روش باید از پیش، شرایطی را که تسهیل‌کننده حالات و رفتارهای مطلوب یا نامطلوب است، به شکل مقتضی دگرگون شود (باقری، ۱۳۹۶: ۱۳۶). نمونه‌ای از روایات امام رضا (علیه السلام) مرتبط با این روش درباره آداب زناشویی است. حضرت فرموده‌اند: «هرگاه یکی از شما خواست با همسرش هم‌بستر شود، باید قبل از آن با او ملاطفت کند تا دلش نرم شود و کینه از دلش بیرون رود و چون خواست حاجت خود را به جای آورد، سه بار

«بسم الله» بگوید و اگر توانست آیه‌ای از هر جای قرآن که به ذهنش آمد، بخواند و اگر نتوانست همان «بسم الله» کفایت می‌کند» (عیاشی، ۱۳۸۰ ق، ج ۱: ۲۱؛ عطاردی، ۱۴۱۳ ق، ج ۱: ۳۱۰).

از موضوعات مهم مربوط به مسئله زناشویی، پیش‌نوازی، آماده شدن زوجه برای آمیزش است. بی‌توجهی به این موضوع معمولاً نارضایتی زوجه را در پی دارد. پیش‌نوازی هر دو بُعد رفتاری و عاطفی را در بر می‌گیرد. امام (علیه السلام) در این روایت، به بُعد عواطفی که اهمیت دو چندان دارد، اشاره می‌فرماید و بیان می‌کند برای اینکه همسر از نظر روحی و روانی آماده باشد بر شوهر لازم است با او مهرورزانه و عاشقانه مواجه شود و اگر همسرش ناراحتی و کدورتی دارد، رضایتش را جلب کند. در ذیل روایت، امام (علیه السلام) اشاره دارند که مقاربت با یاد خداوند آغاز شود. در جهان بینی توحیدی همه افعال انسان ذیل بندگی او تعریف می‌شود و همان‌گونه که زوج از نظر عواطفی و روانی برای زناشویی حاضر می‌شوند، با ذکر خداوند از نظر روحی و معنوی نیز خود را با نظام توحیدی پیوند می‌زنند و به این امر توجه می‌کنند که نیاز جنسی خود را بر اساس تشریح الهی و در چهار چوب قوانین الهی تأمین می‌کنند.

نمونه دیگر از روش زمینه‌سازی، روایتی است که عبدالله بن صلت، یکی از اهالی بلخ نقل کرده است که در سفر امام رضا (علیه السلام) به خراسان همراه ایشان بودم. روزی دعوت به صرف غذا کرد، غلامان سودانی (سیاه پوست) حضرت و دیگران حاضر شدند. من از ایشان درخواست کردم برای سودانی‌ها سفره دیگری پهن شود. امام (علیه السلام) خودداری کرد و فرمود: خدا یکی است و پدر و مادر، یکی است، حساب و کتاب الهی بر اساس اعمال است (و نه اصل و نسب و قبیله و قوم) (کلینی، ۱۴۰۷ ق: ۸: ۲۳۰). همچنین روایت شده است که امام رضا (علیه السلام) وقتی تنها بود و سفره پهن می‌شد، بندگان و غلامان حضرت حتی دربان و ستوربان، هم سفره حضرت می‌شدند (حرعاملی، ۱۴۱۴ ق، ج ۲۴: ۲۶۵). منظور از وقت تنهایی، زمانی بود که مأمون و درباریان حضور نداشتند؛ چنان‌که نقل شده در سفره‌ای که همه خدمه حضرت حاضر بودند وقتی مأمون قصد ورود به منزل امام (علیه السلام) داشت، ایشان امر کردند خدمه بر خاسته، بروند (همان).

یکی از عوامل زمینه‌ساز در شکل‌گیری و نضج فضیلت تواضع و همچنین تحقق عملی نظریه تساوی انسان‌های جامعه، معاشرت با افراد فقیر و مستمند جامعه و نیز رنگین‌پوستانی است که بین مترفان و دنیاطلبان، به دیدهٔ حقارت نگریسته می‌شود. سیرهٔ امام رضا (علیه السلام) آکنده از این روش تربیتی است. شخصی نزد ایشان سوگند خورد که پدر هیچ کس شریف‌تر از پدران ایشان نیست. حضرت فرمود: «شرف آنان به تقواست و طاعت خداوند سراسر وجود آنان را در بر گرفته است» (و شرافت پدرانم به حسب و نسب نیست) (ابن بابویه، ۱۳۷۸ ق، ج ۲: ۲۳۶؛ عطاردی، ۱۴۱۳ ق، ج ۲: ۲۳۶).

۲-۴-۲. تغییر موقعیت

از آنجا که شرایط مختلف زمانی، مکانی و اجتماعی مبدأ تأثیرگذاری‌های متفاوت بر انسان است، برای ایجاد حالات مطلوب در نفس، لازم است روابط خود متناسب با شرایط تغییر یابد (حسینی، ۱۳۹۴: ۸). مثلاً اگر مکانی زمینهٔ تأثیر مثبت را فراهم می‌کند در آنجا باید حاضر شد و اگر مکانی اثر منفی بر انسان دارد، باید موقعیت خود را تغییر داد.

به کارگیری این روش تربیتی در روایات امام رضا (علیه السلام) دیده می‌شود. برای نمونه، حضرت دربارهٔ غالیان فرموده‌اند: «هرکس با آن‌ها مجالست کند، یا با آنان غذا بخورد، یا با آنان رابطه داشته باشد و ازدواج کند، یا آنان را امین بداند، یا گفته‌های آن‌ها را تصدیق کند، یا از آن‌ها با سخنی دفاع کند، از ولایت خداوند و رسول و اهل بیت (علیهم السلام) بیرون است» (ابن بابویه، ۱۳۷۸ ق، ج ۲: ۲۰۳؛ عطاردی، ۱۴۱۳ ق، ج ۲: ۵۰۳).

غالیان کسانی بودند که به خداوندگاری ائمه (علیهم السلام) معتقد شدند و محرّمات دین را مباح دانستند و واجبات را از وجوب ساقط کردند (بغدادی، ۱۴۰۸ ق: ۱۷). آنان حتی روایاتی را جعل می‌کردند و به ائمه (علیهم السلام) نسبت می‌دادند (ابن بابویه، ۱۳۹۸ ق: ۳۶۳-۳۶۴). معاشرت و حضور در جمع کسانی که چنین باورهای و رفتارهایی دارند، زمینهٔ انحراف فکری و ناپهنجاری رفتاری بنیادین بر جای می‌گذارد، به طوری که فرد از توحید به شرک می‌گراید و وظایف خود نظیر نماز، روزه و... را وامی‌نهد. انذار شدید امام رضا (علیه السلام) در نهی از مجالست

با غالیان بر مبنای روش تغییر موقعیت است که فرد برای در امان ماندن از آسیب‌های فراوان مجالست با غالیان ضروری است که به کار بندد.

۲-۴-۳. اسوه‌سازی

«اسوه» عبارت است از حالتی که انسان هنگام پیروی از غیر خود پیدا می‌کند و بر حسب اینکه پیروی از چه کسی باشد، ممکن است اسوه‌ای نیک یا بد برای انسان فراهم آید (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۷۶). امام رضا (علیه السلام) پیشوا و هدایتگر امت بودند و تمام سیره آن حضرت، جز تکالیف اختصاصی ایشان برای امت اسلامی اسوه بوده است. با وجود این، برخی رفتارهای اجتماعی امام (علیه السلام) که از ویژگی‌های اخلاقی آن حضرت بوده، الگویی بسیار اثرگذار بوده است. برای نمونه نقل شده است: «هرگاه می‌خواست غذا تناول کند، سینی‌ای می‌آوردند و نزدیک سفره ایشان می‌گذاشتند. حضرت مقداری از بهترین غذاهایی که در سفره حاضر بود، برمی‌داشتند و در آن سینی می‌گذاشتند و سپس دستور می‌دادند آن غذا را به فقرا بدهند» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴: ۵۲؛ عطاردی، ۱۴۱۳ق، ج ۱: ۳۹).

امام نمونه رفتار و کردار مناسب را در معرض دید فرد قرار می‌دهد و فرد با توجه و دیدن رفتار و کردار مناسب ایشان، سعی می‌کند که آن حالت را در خود به وجود آورد. امام با اهتمام خود مبنی بر اطعام فقرا، الگوی مناسبی عرضه می‌کند. در خور ذکر است که این گزارش مربوط به دوران حضور حضرت در طوس و در دوران ولایت عهدی است. این ادعا هم از محتوای حدیث و از سفره رنگارنگ به دست می‌آید و هم از راوی حدیث، راوی مُعَمَّر بن خَلَّاد که روایات دیگری مربوط به دوران ولایت عهدی آن حضرت نقل کرده است. از جمله آن‌ها روایت مربوط به اکراه امام (علیه السلام) در پذیرش ولایت عهدی در گفت‌وگوی ایشان با مأمون عباسی است (ابن بابویه، ۱۳۷۸ق، ج ۲: ۱۶۶).

۲-۵. اصل مسئولیت

مسئولیت‌پذیری رفتار اخلاقی است که با الزام همراه بوده و تعهدآور است.

مسئولیت‌پذیری به معنی متعلق بودن انتخاب‌ها و داشتن شخصیت پاسخگو برای خود و عمل مسئولانه در ارتباط با دیگران است (بهرامی و دیگران، ۱۳۸۳: ۶۴-۷۲؛ ایزدی فرد و کاویار، ۱۳۸۹: ۲۰۱). این اصل در روایات امام رضا (علیه السلام) شامل سه روش «مواجهه با نتایج اعمال»، «تحریک ایمان» و «ابتلا» می‌شود.

۲-۵-۱. مواجهه با نتایج اعمال

یکی از سنت‌های عالم آفرینش، مسئله مکافات عمل و به‌طور اعم بازتاب و نتایج عمل یا همان مواجهه با نتایج اعمال است؛ یعنی انسان هر کاری را که انجام می‌دهد، خوب یا بد، نتیجه آن را می‌بیند. نتیجه عمل خوب، همان پاداش و نتیجه عمل بد کیفر است (مکارم، ۱۳۷۱، ج ۲: ۲۷).

در روایتی، امام رضا (علیه السلام) با استناد به آیه «وَلَا تَرِزُوا زُرَّةَ وَزُرَّ الْأُخْرَى» و آیه «وَأَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى» یکی از قوانین اسلام را این مسئله می‌داند که خداوند سالم را به جای مریض مؤاخذه نمی‌کند و کودکان را به سبب گناهان پدرانشان عذاب نمی‌کند (ابن شعبه حرانی، ۱۳۶۳: ۴۲۱؛ عطاردی، ۱۴۱۳ق، ج ۲: ۵۰). امام (علیه السلام) با استفاده از دو اصل قرآنی: ۱. هر کسی مسئول اعمال خویش است. ۲. هر آنچه با آن مواجه می‌شود محصول سعی و تلاش اوست، بیان داشته است که خداوند کودکان را به سبب گناه پدران و سالم را به دلیل مریضی بیمار، مؤاخذه نمی‌کند. با این بیان حضرت به روش مواجهه هر فرد با نتایج اعمال خویش دلالت داده است. پدر گناهکار و بیمار هر یک با نتیجه عمل خود مواجه می‌شوند و کودک با نتایج اعمال پدر گناهکار و سالم با نتایج اعمال بیمار روبه‌رو خواهد شد.

شایان ذکر است که حدیث امام رضا (علیه السلام) نوعی مواجهه با عقاید برخی جریان‌های فکری و کلامی منحرف بوده است. نافع بن ازرق و پیروانش که به فرقه ازرقه مشهورند و از خوارج به حساب می‌آیند، کودکان مخالفان خود را به قتل می‌رساندند و آنان را در دوزخ مخلد می‌پنداشتند (بغدادی، ۱۴۰۸ق: ۶۳).

۲-۵-۲. تحریک ایمان

در این روش با توسل به ایمان و اعتقادات دینی افراد و تحریک آن، آنان را به رفتارهای اخلاقی سوق می‌دهند (اقبالیان، ۱۳۹۱: ۲۴). نمونه استفاده از این روش در روایات امام رضا (علیه السلام)، روایتی از پیامبر (صلی الله علیه و آله) است که نقل می‌کنند آن حضرت فرمود: شفاعتم به کسی که بدان ایمان ندارد، نمی‌رسد. سپس فرمود: شفاعتم برای کسانی از اتمم است که مرتکب گناهان کبیره شده‌اند (ابن بابویه، ۱۳۷۸ ق، ج ۲: ۳۳). در این روایت، امام (علیه السلام) با امید به شفاعت پیامبر (صلی الله علیه و آله) ایمان گناهکاران را تحریک می‌کند تا با امید به بخشایش گناهان، از ذایل اخلاقی و گناهان دوری کنند. شایان ذکر است طبق روایات هیچ یک از مردمان آغازین و آخرین نیست مگر اینکه در روز قیامت به شفاعت پیامبر (صلی الله علیه و آله) نیازمند است (برقی، ۱۳۷۱ ق، ج ۱: ۱۸۴) جمله دوم امام (علیه السلام) به این معنا نیست که شفاعت پیامبر (صلی الله علیه و آله) به مرتکبان گناه کبیره اختصاص داشته باشد، بلکه این افراد بیش از دیگران به تحریک ایمان و امیدبخشی نیازمندند.

در روایتی دیگر، نزد امام رضا (علیه السلام) از باور معتزله بر عدم بخشایش گناهان کبیره سخن به میان آمد. حضرت از امام صادق (علیه السلام) در این خصوص نقل فرمودند: قرآن بر خلاف باور معتزله نازل شده، خداوند فرموده است: «وَإِنَّ رَبَّكَ لَذُو مَغْفِرَةٍ لِلنَّاسِ عَلَى ظُلْمِهِمْ» (الرعد، ۶) (ابن بابویه، ۱۳۹۸ ق: ۴۰۶؛ عطاردی، ۱۴۱۳ ق، ج ۱: ۳۴۹). خوارج و معتزله باور داشتند که اگر مرتکب گناه کبیره بدون توبه بمیرد، در جهنم جاودان خواهد بود و هرگز نجات نمی‌یابد (اشعری، ۱۴۰۰ ق: ۱۴۴؛ ایجی، ۱۳۲۵ ق، ج ۸: ۳۰۴). در مکتب اعتقادی شیعه، ترسیم رحمت گسترده خداوند در ابعاد گوناگون از جمله آمرزش گناهان کبیره و شفاعت اولیای دین، اقدامی مؤثر در تحریک ایمان افراد است.

۲-۵-۳. ابتلا

ابتلا در اصل به معنای فرسوده کردن است و به امتحان از این لحاظ ابتلا گفته‌اند که گویی فرد بر اثر کثرت آزمایش فرسوده می‌شود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق: ۱۴۵).

هدف از ابتلا، تمییز صالح از طالح و نیز صیقل دادن گوهر وجودی صالحان است؛ زیرا تربیت‌شونده بدون آگاهی از نقاط قوت و ضعف خود، نمی‌تواند به رشد قابل توجهی برسد؛ بنابراین ابتلا با نشان دادن نقاط قوت و ضعف زمینه رشد و کمال انسان را فراهم می‌کند. در روایتی از امام رضا (علیه السلام) که به ظهور امام عصر (علیه السلام) مربوط است، آن حضرت به هر دو هدف ابتلا اشاره کرده است: «لَا يَكُونُ مَا تَمُدُّونَ إِلَيْهِ أَغْنَاكُمْ حَتَّى تُمَيِّزُوا وَ تُمَحَّصُوا فَلَا يَبْقَى مِنْكُمْ إِلَّا الْقَلِيلُ ثُمَّ قَرَأَ: الْم أَحْسِبَ النَّاسَ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ» (عنکبوت، ۱-۲) (مفید، ۱۴۱۳ق «ب»، ج ۲: ۳۷۵؛ عطاردی، ۱۴۱۳ق، ج ۱: ۲۳۶): «آنچه انتظارش را دارید، به وقوع نمی‌پیوندد تا اینکه از یکدیگر متمایز و پاک شوید و از شما جز اندکی باقی نمی‌ماند. سپس این آیه را قرائت فرمود: الف، لام، میم. آیا مردم پنداشتند که تا گفتند ایمان آوردیم، رها می‌شوند و آزمایش نمی‌شوند؟» در این روایت، امام (علیه السلام) با استناد به آیه قرآن، قطعیت سنت ابتلا را بیان کرده‌اند و دو هدف مهم از وقوع آن قبل از ظهور را جدا شدن منتظران واقعی از دروغین (تُمَيِّزُوا) و پاک شدن منتظران واقعی (تُمَحَّصُوا) بیان فرموده‌اند.

۲-۶. اصل آراستگی

آراستن به معنای زینت‌دادن و تزیین کردن و همچنین به معنای منظم و مرتب بودن است (معین، ۱۳۹۱، ج ۱: ۳۹). اصل آراستگی ریشه در حس زیبایی دوستی انسان دارد که در کنار حس نیکی و حس دانایی و حس مذهبی، چهار بُعد روح و روان آدمی را تشکیل می‌دهد و زیبایی‌های مختلف از قبیل ادبی، شعری و هنر مولود این حس هستند (مکارم، ۱۳۷۱، ج ۶: ۱۵۱). این اصل تربیتی در روایات امام رضا (علیه السلام) دارای دوروش «آراستن ظاهر» و «آراستن سخن» است.

۲-۶-۱. آراستگی ظاهر

بخشی از برنامه‌ها و دستوره‌های اسلام مربوط به آراستگی و زیبایی است. سیره‌نویسان

بخشی از نوشته‌های خود درباره زندگی ائمه علیهم‌السلام را به نظافت و بهداشت و صورت زیبا و آراسته آن‌ها اختصاص داده‌اند. آن‌ها حتی در دعاهایشان هم ظاهری زیبا و باطنی آراسته را از درگاه خدا تقاضا می‌کردند (عبدوس و محمدی اشتهاردی، ۱۳۷۴: ۲۶۹-۳۷۰). در روایات و سیره امام رضا علیه‌السلام، فراوان از آراستگی ظاهر سخن به میان آمده است؛ حضرت، عطر زدن و پیرایش مو را از خصوصیات پیامبران دانسته است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵: ۳۲۰؛ عطاردی، ۱۴۱۳ق، ج ۲: ۲۶۷)، امام علیه‌السلام با رنگ سیاه خضاب می‌کرد (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶: ۴۸۰؛ عطاردی، ۱۴۱۳ق، ج ۲: ۳۷۰)، موهای خود را شانه می‌کرد (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶: ۴۸۹)، سرمه می‌کشید (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶: ۴۹۴؛ عطاردی، ۱۴۱۳ق، ج ۲: ۳۷۵) و هرگاه در میان مردم ظاهر می‌شد، خود را مزین جلوه می‌داد «(ابن بابویه، ۱۳۷۸ق، ج ۲: ۱۷۸؛ عطاردی، ۱۴۱۳ق، ج ۱: ۳۹).

زینت‌های ظاهری در حد اعتدال و در چهارچوب شرع، هم از شادابی درونی فرد حکایت دارد و در تربیت اخلاقی فرد آراسته مؤثر است و هم بر نشاط جامعه می‌افزاید و نشاط اجتماعی زمینه تربیت اخلاقی افراد جامعه را فراهم می‌آورد. ژولیدگی، شلختگی، گنده‌بویی و ... موجب نفرت و بی‌زاری می‌شود؛ بنابراین پیشوایان مثل امام رضا علیه‌السلام به روش آراستگی ظاهر ملتزم بوده و توصیه فرموده‌اند.

۲-۶-۲. آراستن سخن

سخن شیوا، رسا و زیبا از متعالی‌ترین نمودهای هنر و زیبایی است. سخن، رسانه‌ای است برای بیان احساس و ادراک آدمی که از درون اندیشه و عواطف او سرچشمه می‌گیرد و بر زبان و بنان او جریان می‌یابد. سخن، رشته‌ای است که نسل‌ها را به یکدیگر پیوند می‌دهد، میراث‌های دانش، حکمت و هنر را از فردی به فرد دیگر و از دورانی به دوران دیگر منتقل می‌کند (خرقانی، ۱۳۹۴: ۲۲۰).

روش‌های آراستن سخن در روایات امام رضا علیه‌السلام فراوان است که تبیین همه آن‌ها مجال فراخ‌تری اقتضا دارد. فقط به یک نمونه یعنی آراستن سخن با قرآن اشاره می‌شود. از

حضرت نقل است: «چه اندازه نیکو است صبر و انتظار فرج، آیا نشنیده‌ای که بنده صالح گفت: «فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنتَظِرِينَ» (یونس، ۲۰) (عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۲: ۲۰؛ عطاردی، ۱۴۱۳، ج ۱: ۳۴۱).

تضمین از جمله آرایه‌های علم بدیع و به معنی آوردن آیه، حدیث یا سخن مشهور بین سخن است (رادویانی، ۱۳۶۲، ج ۱: ۱۰۳). تضمین و استشهاد امام رضا (علیه السلام) به قرآن در جواب پرسش‌هایی که از حضرت می‌شود، نمونه دیگری از آراستن سخن خود با قرآن کریم است.

در کلام امام، آرایه‌های ادبی بسیار یافت می‌شود و در بسیاری از عبارات آن حضرت، انواع گوناگونی از زیبایی‌های بدیعی را می‌توان به‌وضوح مشاهده کرد. کلام امام (علیه السلام) افزون بر آنکه رستنگاه شاخساران فصاحت و سرچشمه چشمه‌ساران بلاغت است، گونه‌های بدیع را همچون شکوفه‌های بهاری در بر دارد.

۲-۷. اصل فضل

اصل فضل، حاکی از آن است که در رابطه تربیتی باید عدم موازنه را الگو قرار داد. خداوند خود در مقام تربیت انسان، به‌وفور با او به فضل رفتار می‌کند و اساساً فضل و رحمت را بر خود واجب گردانیده است (باقری، ۱۳۹۶: ۱۶۲). این اصل تربیتی در روایات امام رضا (علیه السلام) دارای سه روش «توبه»، «تبشیر» و «مبالغه در یاداش» است.

۲-۷-۱. توبه

روش توبه راهی است یگانه برای جدا شدن انسان از بدی‌ها و پستی‌ها و سلوک به‌سوی خدا که اگر پروردگار جهانیان از سر رحمت خویش این راه را بر آدمیان نمی‌نمود، هیچ‌کس را به درگاهش راهی نبود. اگر برای کسانی که احیاناً عمل نادرستی داشته‌اند راه مسدود باشد و امکان بازگشت نباشد و احتمال تغییر رفتار نرود و ناامیدی ایجاد شود،

آنان در زندگی سرخورده می‌شوند. از نظر تربیتی باید راهی برای اصلاح و تغییر رفتار آنان وجود داشته باشد (فایضی، ۱۳۷۸: ۱۵۰). نمونه‌های این روش در روایات امام رضا (علیه السلام):

الف. امام رضا (علیه السلام) به نقل از پیامبر (صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: «کسی که از گناه توبه کند، مانند این است که هرگز مرتکب گناه نشده است» (ابن بابویه، ۱۳۷۸ ق، ج ۲: ۷۴؛ عطاردی، ۱۴۱۳ ق، ج ۱: ۲۷۹). در این روایت، هم توبه انسان مطرح است و هم توبه خدا. خداوند توبه فرد را می‌پذیرد و گناهان او را مورد مغفرت خویش قرار می‌دهد.

ب. امام رضا (علیه السلام) می‌فرماید: «هرکس در روزهای ماه شعبان ۷۰ بار استغفار کند، خداوند گناهان او را می‌آمرزد. اگرچه به اندازه ستارگان باشد» (ابن بابویه، ۱۳۷۸ ق، ج ۱: ۲۹۲؛ عطاردی، ۱۴۱۳ ق، ج ۲: ۱۳). خدا آدمی را به توبه تشویق می‌کند. به انسان نوید آمرزش می‌دهد و از او می‌خواهد که باز آید. آنچه از توبه اول خدا در جنبه تربیتی برداشت می‌شود، این است که باید به استقبال خطا کار رفت و به فردی که به خداوند پشت کرده است، روی آورد؛ زیرا این رفتار باعث می‌شود در فرد حالت بازگشت از خطا ایجاد شود.

۲-۷-۲. تبشیر

روش تبشیر، بشارت دادن به عطایایی است که پس از به دوش گرفتن تکالیف به فرد ارزانی خواهد شد و مظهری از فضل و رحمت است. بشارت در وجود آدمی امید می‌آفریند و با کشش این امید او را آماده قبول زحمت می‌گرداند (باقری، ۱۳۹۶: ۱۶۹). امام رضا (علیه السلام) به نقل از پیامبر (صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: «حسن خلق داشته باشید؛ چرا که جایگاه خوش اخلاق، بهشت است» (ابن بابویه، ۱۳۷۸ ق، ج ۲: ۳۱؛ عطاردی، ۱۴۱۳ ق، ج ۱: ۲۹۶).

از بهترین و والاترین فضایل اخلاقی، حُسن خُلق است. شک نیست که این فضیلت به سهولت به دست نمی‌آید و آراستگی به آن به مجاهدت و مراقبه فراوان نیاز دارد. حرکت در این راه دشوار با برانگیزنده قوی میسور خواهد شد. بشارت به بهشت به صاحب این فضیلت، یکی از بهترین روش‌ها در این مسیر و برای کسب این ویژگی اخلاقی ارزشمند خواهد بود.

۲-۷-۳. مبالغه در پاداش

طبق این روش برای پاداش دادن به فردی که تلاش کرده است، باید بر اساس فضل رفتار شود و بهترین اعمال او معیار قضاوت و پاداش قرار گیرد و ضعف‌ها و کمبودهای جانبی نادیده گرفته شود. پاداش به چنین فردی، می‌تواند از مرز عدالت درگذرد (باقری، ۱۳۹۶: ۱۷۲). برای این روش در روایات امام رضا (علیه السلام) می‌توان به این روایت اشاره کرد که فرمودند: «ای مردم! هرکس از شما روزه‌دار مؤمنی را افطار دهد، مانند این است که بنده‌ای را آزاد کرده باشد و خداوند گناهان گذشته او را می‌آمرزد» (ابن بابویه، ۱۳۷۸ق، ج ۱: ۲۹۶؛ عطاردی، ۱۴۱۳ق، ج ۲: ۱۸۶).

پاداش افطار روزه‌دار به صورت عادلانه می‌تواند اطعامی یا مقداری افزون بر آن، برای فرد افطار دهنده باشد. در روش تربیتی مبالغه در پاداش برای نشان دادن اهمیت روزه‌داری و افطار دادن به روزه‌دار و نیز ایجاد انگیزه برای این عمل، خداوند پاداشی بسی فراتر از حد عدالت در نظر گرفته و بر اساس فضل خود، پاداش آزاد کردن برده و بخشایش تمام گناهان گذشته را وعده داده است.

۲-۸. اصل عدل

عدل رابطه تنگاتنگی با نظام تربیتی اسلام در ابعاد مختلف از جمله افکار، معنویات، کمال انسان، تربیت و اخلاق فردی و اجتماعی دارد (هنرمند، ۱۳۹۱: ۸). طبق اصل عدل باید روش‌هایی در نظام تربیتی فراهم آید که مظهر برقراری توازن میان مربی و متربی باشد (باقری: ۱۳۹۶: ۱۸۲-۱۸۳). در روایات امام رضا (علیه السلام) برای این اصل، سه روش «تکلیف به قدر وسع»، «انذار» و «مجازات به قدر خطا» وجود دارد.

۲-۸-۱. تکلیف به قدر وسع

ظرفیت‌ها، استعدادها و قابلیت‌های افراد متفاوت است و نمی‌توان نسخه‌ای واحد برای

همه صادر کرد و از همه انتظار یکسان داشت. آنچه مقصود و غایت پرورش و تربیت است، شکوفایی و تربیت همه جانبه انسان است و این شکوفایی، به تناسب قابلیت‌ها و استعداد افراد، متفاوت خواهد بود (طالقانی، ۱۳۶۲: ج ۲: ۲۷۸). در روایات امام رضا (علیه السلام) به این روش تربیتی توجه شده است. در روایتی حضرت فرمودند: «خداوند هیچ یک از بندگانش را تکلیف ما لایطاق نکرده است» (حمیری، ۱۴۱۳: ق ۱: ۳۹۰؛ عطاردی، ۱۴۱۳: ق ۱: ۳۶).

این روایت اشاره می‌کند به اینکه خداوند بندگانش را به اندازه طاقت‌شان تکلیف می‌کند و بر اساس این قاعده الهی در تربیت هر فردی نباید بیش از توان و ظرفیت او انتظار حرکت و رشد اخلاقی داشت. در خور ذکر است که برخی جریان‌های فکری و کلامی در دوره امام (علیه السلام) به جبر باور داشتند و معتقد بودند که خداوند انسان‌ها را تکلیف ما لایطاق می‌کند (سید مرتضی، ۱۴۰۵: ق ۱: ۲: ۱۹۰). اینان می‌گفتند که آیه «رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِن نَّسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا» (بقره، ۲۸۶) بر تکلیف ما لایطاق دلالت دارد؛ زیرا هیچ کس قدرت آن را ندارد که از فراموشی رهایی یافته و آن را از خود دور کند (ابن حزم، ۱۴۱۶: ق ۲: ۱۶۳). کلام امام (علیه السلام) در عین حال که به روش تکلیف به قدر وسع دلالت دارد، مقابله با این تفکر انحرافی نیز است.

۲-۸-۲. انذار

انذار به معنای آگاهانیدن کسی نسبت به امری است که در آینده رخ می‌نماید و عذاب او را موجب خواهد شد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ق ۷۹۷). طبق این روش، باید فرد را از عواقب اعمال نامطلوبش آگاه کرد تا در صورت ارتکاب، مستحق مجازات شود. امام رضا (علیه السلام) به نقل از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: «هرکسی بدون علم فتوا دهد، فرشتگان آسمان و زمین او را لعنت می‌کنند» (برقی، ۱۳۷۱: ق ۱: ۲۰۵؛ عطاردی، ۱۴۱۳: ق ۱: ۶).

همان‌گونه که برای شکل‌گیری فضایل اخلاقی و رفتارهای صحیح از روش تبشیر بهره گرفته می‌شود، برای زدودن رذایل اخلاقی و رفتارهای غلط باید از روش انذار استفاده شود. با شدت باور و رفتار نادرست، بر شدت انذار افزوده می‌شود، چنان‌که خداوند برای

باور کفر و شرک مجازات خلود در جهنم (بقره، ۲۵۷) و برای رفتاری چون خوردن مال یتیم، مجازات فرو بردن آتش در شکم (نساء، ۱۰) مقرر کرده است. در روایت امام رضا (علیه السلام)، یکی از رفتارهای سوء که به نوعی از طرف عالمان دینی رخ می‌دهد سخن گفتن ناصواب و بدون آگاهی به نام دین و درباره دین است که موجب انحراف خود و انحراف دیگران می‌شود و طبق روایات چنین فردی هم خود هلاک می‌شود و هم دیگران را به هلاکت می‌افکند (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۱: ۴۳). یکی از دلایل شکل‌گیری فرقه‌ها پس از وفات پیامبر (صلی الله علیه و آله) اظهار نظر درباره دین بدون اشراف کامل به همه ابعاد آن بوده است. از این رو، ضروری است که با شدیدترین انذار از آن برحذر داشت.

۲-۸-۳. مجازات به قدر خطا

طبق این روش، مجازات، میزان و نحوه آن باید تابع خطای فرد باشد و عوامل دیگر نباید آن را تحت تأثیر قرار دهد و نباید عواملی مانند خشم در مجازات دخالت ورزد. همچنین به اقتضای این روش، آثاری که خطای فرد به بار آورده، معیار مجازات قرار می‌گیرد (باقری، ۱۳۹۶: ۱۸۹). نمونه به کارگیری این روش، روایت بلندی است که در آن امام رضا (علیه السلام)، دلیل کیفیت مجازاتی چون: زنا، قذف، دزدی، شرب خمر و ... را تبیین کرده‌اند. مثلاً حضرت درباره علت فرود آوردن ضربه شدید بر زناکار را می‌فرماید: زناکار عمل جنسی نامشروعی را انجام داده و تمام بدن او از آن لذت برده است. او یکی از گناهان بزرگ را مرتکب شده است، پس زدن او هم مجازاتی برای وی و هم عبرتی برای دیگران است» (ابن بابویه، ۱۳۸۵، ج ۲: ۵۴۴؛ عطاردی، ۱۴۱۳ ق، ج ۲: ۳۸۶).

در این روایت مهم، اولاً، برای هر گناهی و از جمله زنا میزان معینی از مجازات مقرر شده است و باید مواظبت کرد که از روی قصور یا تقصیر از آن فراتر نرفت. نقل شده است که قنبر در جاری کردن حد، به خطا سه ضربه بیشتر زد. امام علی (علیه السلام) قنبر را با سه ضربه شلاق قصاص کرد (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۷: ۲۶۰)، ثانیاً، از آنجا که در عمل جنسی تمام اعضا و جوارح انسان معطوف به آن هستند و لذت برای همه جسم انسان است، مجازات زناکار باید طوری

باشد که همه جسمش رنج مجازات را متحمل شود. اگر نوع ضربه طوری باشد که تنها قسمتی از جسم، رنجور شود مجازاتی برای همه اعضای بدن نخواهد بود. همچنین این نوع مجازات مایه عبرت دیگران در کنترل هوس سرکششان خواهد شد؛ زیرا عمل زنا آثار منفی و مخربی مانند فروپاشی کانون خانواده‌ها، رواج فساد و فحشا و به هم ریختگی نسلی دارد؛ در نتیجه، این میزان و کیفیت مجازات برای آن در نظر گرفته شده است.

۲-۹. اصل عزت

عزت در اصل به معنای صلابت و حالت شکست‌ناپذیری است و بر همین اساس در معانی دیگر از جمله غلبه، صعوبت، سختی، غیرت و حمیت و مانند این‌ها به کار رفته و توسعه معنایی پیدا کرده است (طباطبایی، ۱۳۸۲، ج ۱۷: ۳۱). تربیتی که بنیادش بر ایجاد عزت در آدمیان باشد، تربیتی است که در تحکیم و تثبیت شخصیت انسانی آنان و حفظ ایشان در برابر وسوسه‌ها و معاصی موفق خواهد بود. هیچ چیز مانند فقدان عزت، آدمی را مستعد تباهی نمی‌سازد، زیرا عزت است که انسان را محکم و استوار و شکست‌ناپذیر می‌کند و چون ذلت بر وجود آدمی حاکم شود، او را برای پذیرش هر خواری و پستی آماده می‌کند (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۳: ۲۳۲). مقصود از این اصل آن است که باید انسان مکرم را عزیز داشت و مایه‌های عزت نفس او را فراهم آورد. برای این اصل در روایات امام رضا (علیه السلام) روش تربیتی «تغافل» یافت شد.

۲-۹-۱. تغافل

از روش‌های تربیتی مهم در آموزه‌های دینی، تغافل است. در اهمیت آن همین بس که در روایتی فرموده‌اند: سامان دادن معاشرت و زندگی اجتماعی مانند پیمانۀ پُری است که دو سوم آن، هوشیاری و زیرکی است و یک سوم آن، تغافل است (ابن شعبه حرانی، ۱۳۶۳: ۳۵۹). بر اساس این روش، در فرایند تربیتی با واقف بودن به ضعف، کوتاهی و خطای فرد، می‌باید تظاهر به غفلت کرد. این روش موجب می‌شود عزت فرد حفظ شود.

این روش در روایات امام رضا (علیه السلام) استفاده می‌شده است. در روایتی حضرت می‌فرماید: «اگر کسی به زنی، غیر از شوهر آن زن نسبت زنا دهد و ادعا کند که دیده است، به او می‌گویند تو چگونه دیدی و چطور تنها توانستی بر خلوت آنان وارد شوی، حتی اگر در سخت صادق باشی در درستی ادعایت تردید است و باید بر تو حدی وارد کرد که خداوند واجب کرده است» (ابن بابویه، ۱۳۸۵، ج ۲: ۵۴۵؛ عطاردی، ۱۴۱۳، ج ۲: ۴۰۱).

یکی از گناهان بزرگ اجتماعی، زناست که شارع مقدس برای آن مجازات سنگینی مقرر و از سویی برای جلوگیری از قبح‌زدایی آن، اثبات این گناه را منوط به شهادت چهار مرد یا سه مرد و دو زن کرده است (نجفی، ۱۳۶۷، ج ۴۱: ۱۵۵). اگر این عدد در شهود محقق نشود، طبق آیه ۴ سوره نور بر شهادت‌دهنده یا شهادت‌دهندگان، باید ۸۰ ضربه حد قذف جاری شود، در کلام امام (علیه السلام) از آن با تعبیر حدی که خداوند واجب کرده، یاد شده است. از جمله نکات استفاده شده در روایت امام (علیه السلام)، روش تربیتی تغافل است. اینکه حضرت می‌فرمایند حتی اگر شخص اتهام‌زننده راستگو باشد، حد بر او جاری است حاکی از آن است که وقتی شخصی گناهی را پنهانی مرتکب شده است و بی‌باک بر آن نیست که اگر بود چهار نفر آن را می‌دیدند، در این صورت باید از روش تربیتی تغافل بهره گرفت و گناه را آشکار نکرد. علنی کردن گناه پنهانی افراد، موجب می‌شود پرده شرم و حیا در آنان دریده شود و بر تکرار گناه گستاخ شوند.

گفتنی است حتی بر فرض ثبوت شهادت چهار نفر، مستحب است که شاهدان از شهادت دادن خودداری کنند، بلکه مستحب است قاضی با کنایه و اشاره از شاهدان بخواهد که از شهادت خود انصراف دهند (نجفی، ۱۳۶۷، ج ۴۱: ۳۰۷) و این اهمیت به کارگیری روش تربیتی تغافل را نشان می‌دهد.

۲-۱۰. اصل تعقل

تعقل عبارت است از تفکر هدفدار با انطباق بر قوانینی که صحت آن‌ها اثبات شده است. به عبارت دیگر، هر قضیه‌ای پیش از اثبات شدن، ماده‌ای است برای تعقل و پس

از اثبات، قانونی است که تعقل باید طبق آن حرکت کند (جعفری، ۱۳۷۹: ۵۳)؛ بنابراین مفهوم اصل تعقل چنین خواهد بود که باید با پوییش فکری انسان را از لغزشگاه‌ها مصون داشت و مساعدت کرد تا به حقیقت هستی (خدا و راه خدا) هدایت یابد. این اصل دارای دو روش تربیتی «تزکیه» و «تعلیم حکمت» است، در روایات امام رضا علیه السلام به این روش‌ها اشاره شده است.

۲-۱۰-۱. تزکیه

مقصود از این روش، کنترل و مهار طغیان‌های نفسانی برای جلوگیری از رانده شدن عقل به راه خطا در حیطة نظر و عمل است. کنترل هوای نفس، عقل را از انحراف دور نگه می‌دارد. دور ماندن عقل از انحراف، علم و معرفت ویژه‌ای را برای انسان به ارمغان می‌آورد که از تزکیه نفس انسان سرچشمه می‌گیرد و سبب تیزبینی عقل می‌شود.

امام رضا علیه السلام می‌فرماید: «ای مردم! جان‌های شما در گرو اعمال تان است، با استغفار نفس خود را (از سرکشی) بازدارید. ای مردم! پشت‌های شما در اثر بارهای نافرمانی سنگین شده است، با طول سجده‌هایتان آن را سبک سازید» (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۱: ۲۹۶؛ عطاردی، ۱۴۱۳، ج ۲: ۱۸۶).

رویگردانی از فرامین الهی و پیروی از هوای نفس، غلبه نفس بر عقل را موجب می‌شود و از تزکیه باز می‌دارد (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱: ۱۷)؛ بنابراین تزکیه در گرو مهار هوای نفس به وسیله عقل است. در روایت امام رضا علیه السلام برای تحقق این مهم دورا هبرد را توصیه می‌فرماید: ۱. استغفار ۲. سجده‌های طولانی که کنایه از کثرت عبادت است. استغفار نقش رفع دارد؛ یعنی آلودگی‌هایی را که بر روح می‌نشیند می‌زداید و می‌پیراید و کثرت عبادت نقش دفع دارد، به این معنا که با مقاوم‌سازی به وسیله عبادت مانع از ورود گناهان به ساحت روح می‌شود. این‌گونه بر نفس لجام عقل زده می‌شود و روح تزکیه و تصفیه می‌شود.

۲-۱۰-۲. تعلیم حکمت

حکمت دست‌یافتن به حقیقت در پرتو علم و عقل است، حکمت خداوند، معرفت اشیا و ایجاد آن‌ها در نهایت ایتقان است. حکمت در انسان‌ها، معرفت موجودات و افعال نیک است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق: ۲۴۹)، حکمت از نوعی ایتقان و استحکام حکایت می‌کند؛ به گونه‌ای که هر علمی را «حکمت» و هر عملی را حکیمانه نمی‌گویند، بلکه حکمت، آن علم ایمن از هرگونه شبهه است، چنان‌که نیروی عملی پیراسته از شهوت و غضب را حکیمانه می‌نامند (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۱۲: ۴۳۲). بر این اساس در روش تعلیم حکمت، انسان در مسیری قرار می‌گیرد که به دانشی حقیقت‌بین دست یابد (باقری، ۱۳۹۶: ۲۰۷).

در روایات امام رضا (علیه السلام) به این روش تربیتی توجه شده است. حضرت فرموده‌اند: «علم، حیات قلب‌های در برابر جهل، روشنایی دیدگان در تاریکی، قوت بدن‌ها در برابر سستی است. با علم، بنده به همنشین با برگزیدگان و نیکان و درجات والا در دنیا و آخرت می‌رسد» (طوسی، ۱۴۱۴ ق: ۴۸۸؛ عطاردی، ۱۴۱۳ ق، ج ۱: ۷).

تعبیر حیات‌آور قلب، روشن‌گر تاریکی، استوارکننده جان، همنشین‌کننده با خوبان و سعادت‌دهنده در دنیا و آخرت، برای دانسته‌های تهی نیستند؛ چه بسیار علومی که نقطه مقابل نتایج مذکور را به بار آورده‌اند. دانشی می‌تواند عهده این امور باشد که عقل را با خود همراه و حکمت را پدیدار کرده است. در پرتو آن، نور از ظلمت، استواری از سستی و صالحان از طالحان، سعادت از شقاوت تمییز داده می‌شود. روش تربیتی تعلیم حکمت عهده‌دار تعلیم این دانش حقیقت‌بین است.

۳. نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف بررسی و تحلیل اصول و روش‌های تربیت اخلاقی در روایات امام رضا (علیه السلام) سامان یافت. از مطالعهٔ مجموع روایات امام رضا (علیه السلام) در کتاب «مسند الإمام الرضا ابی

الحسن علی بن موسیٰ (علیه السلام)، ۱۰ اصل و ۲۳ روش تربیت اخلاقی استخراج شد. اصول، دستورالعمل‌های کلی تربیتی و روش‌ها، دستورالعمل‌های جزئی تربیتی بود و منظور از تربیت اخلاقی، فعالیت‌های تربیتی برای زدودن رذایل و ایجاد فضایل اخلاقی بود. بر اساس یافته‌های تحقیق، اصول و روش‌های تربیت اخلاقی عبارت بود: ۱. اصل تغییر ظاهر با دوروش: تغییر ظاهر و تحول باطن، ۲. اصل تحول باطن با دوروش: اصل اعطای بینش و دعوت به ایمان، ۳. اصل مداومت و محافظت بر عمل با دوروش: فریضه‌سازی و محاسبه نفس، ۴. اصل اصلاح شرایط با سه روش: زمینه‌سازی، تغییر موقعیت و اسوه سازی، ۵. اصل مسئولیت با سه روش: مواجهه با نتایج اعمال، تحریک ایمان و ابتلا، ۶. اصل آراستگی با دوروش: آراستن ظاهر و تزئین کلام، ۷. اصل فضل با چهار روش: مبالغه در عفو، توبه، تبشیر و مبالغه در پاداش، ۸. اصل عدل با سه روش: تکلیف به قدر وسع، انذار و مجازات به قدر خطا، ۹. اصل عزت با یک روش: تغافل، ۱۰. اصل تعقل با دوروش: تزکیه و تعلیم حکمت. شناسایی و بهره‌گیری از اصول و روش‌های تربیت اخلاقی در آموزه‌های رضوی، بستر مناسبی را برای زدودن رذایل اخلاقی و ایجاد فضایل فراهم می‌کند و وجه متمایز این آموزه‌ها نسبت به آموزه‌های دیگر ائمه (علیهم السلام)، گفتمان حاکم بر عصر امام رضا (علیه السلام) و جایگاهی چون ولایت‌عهدی ایشان است که مثلاً حضرت، طاغوتی چون مأمون را پیوسته موعظه می‌کردند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع و مآخذ

- قرآن کریم. (۱۴۱۵ق). ترجمه: محمدمهدی فولادوند.
- ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۹۸ق). التوحید. قم: جامعه مدرسین.
- (۱۳۷۸ق). عیون أخبار الرضا (علیه السلام). تحقیق: مهدی لاجوردی. تهران: نشر جهان.
- (۱۳۸۵). علل الشرائع. قم: داوری.
- ابن حزم، علی بن أحمد. (۱۴۱۶ق). الفصل فی الملل و الأهل و النحل. بیروت: دار الکتب العلمیه.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی. (۱۳۶۳). تحف العقول عن آل الرسول. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- احمدی، سیداحمد. (۱۳۸۷). اصول و روش‌های تربیت در اسلام. اصفهان: دانشگاه اصفهان.
- اشعری، علی بن اسماعیل. (۱۴۰۰ق). مقالات الإسلامیین و اختلاف المصلین. آلمان: فرانس شتاینر.
- اقبالیان، طاهره. (۱۳۹۱). «مبانی، اصول و روش‌های تربیت اخلاقی در سیره پیامبر (صلی الله علیه و آله) و اهل بیت (علیهم السلام)». پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی. ش ۱۶. سال بیستم. صص: ۳۷-۶۴.
- ایچی، عبد الرحمن. (۱۳۲۵ق). شرح المواقف. قم (افست): الشریف الرضی.
- ایزدی فرد، علی اکبر؛ کاویار، حسین. (۱۳۸۹). «مسئولیت‌پذیری کارگزاران و مدیران از دیدگاه امام علی (علیه السلام) با تأکید بر مؤلفه‌های اخلاق حرفه‌ای». پژوهش‌های علوی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. ش ۲. صص: ۲۰۱-۲۳۴.
- باقری، خسرو. (۱۳۹۶). نگاهی دوباره به تربیت اسلامی. چاپ چهل و دوم. تهران: انتشارات مدرسه.
- برقی، احمد بن محمد. (۱۳۷۱ق). المحاسن. قم: دار الکتب الإسلامیه.
- بغدادی، عبد القاهر. (۱۴۰۸ق). الفرق بین الفرق و بیان الفرقة الناجیه منهم. بیروت: دار الجیل.
- بهرامی، فاطمه؛ ملکیان، حسین؛ عابدی، محمد رضا. (۱۳۸۳). «بررسی و مقایسه راهکارهای افزایش مسئولیت‌پذیری در بین دانش‌آموزان دوره راهنمایی شهر اصفهان». فصل‌نامه آموزه. ش ۱۷. صص: ۶۴-۷۲.
- جعفری، محمدتقی. (۱۳۷۹). تعلیم و تربیت اسلامی. به کوشش: محمدرضا جوادی. تهران: پیام آزادی.
- جوادی آملی، عبد الله. (۱۳۸۹). تسنیم. قم: اسراء.
- حسینی، سید جواد. (۱۳۹۴). «روش تربیتی در اسلام». ماهنامه پاسدار اسلام. ش ۴۰۶-۴۰۵. صص:
- حرعاملی، محمد بن حسن. (۱۴۱۴ق). تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة. قم: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام).
- حلی، رضی الدین علی بن یوسف بن المطهر. (۱۴۰۸ق). العدد القویة لدفع المخاوف الیومیة. قم: کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.
- حمیری، عبد الله بن جعفر. (۱۴۱۳ق). قرب الإسناد. قم: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام).
- خرقانی، حسن. (۱۳۹۴). قرآن و زیبایی‌شناسی. چاپ دوم. مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
- داودی، محمد؛ حسینی‌زاده، سیدعلی. (۱۳۸۹). سیره تربیتی پیامبر (صلی الله علیه و آله) و اهل بیت (علیهم السلام). قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- دلشاد تهرانی، مصطفی. (۱۳۸۳). سیری در تربیت اسلامی. تهران: انتشارات دریا.
- دیلمی، احمد؛ آذربایجانی، مسعود. (۱۳۸۵). اخلاق اسلامی. قم: نشر معارف.
- دهشیری، افضل‌السادات. (۱۳۷۰). تربیت اخلاقی از دیدگاه اسلام. تهران: مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی.
- رادویانی، محمدبن عمر. (۱۳۶۲). ترجمان البلاغة. به کوشش: احمد آتش. تهران: انتشارات اساطیر.

- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ق). المفردات فی غریب القرآن. بیروت: دارالعلم.
- سید رضی، محمد بن حسین. (۱۴۱۴ق). نهج البلاغه. شرح: صبحی صالح. محقق: فیض الاسلام. قم: هجرت.
- سید مرتضی، علی بن حسین. (۱۴۰۵ق). رسائل الشریف المرتضی. قم: دار القرآن الکریم.
- طالقانی، سید محمود. (۱۳۶۲). پرتوی از قرآن. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- طباطبایی، محمد حسین. (۱۳۸۲). تفسیر المیزان. ترجمه: محمدباقر موسوی همدانی. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- طوسی، محمد بن الحسن. (۱۴۱۴ق). الأ مالی. تصحیح: مؤسسة البعثة. قم: دار الثقافة.
- عبدوس، محمدتقی؛ محمدی اشتهاردی، محمد. (۱۳۸۴). آموزه‌های اخلاقی - رفتاری امامان شیعه علیهم السلام. قم: بوستان کتاب.
- عطاردی قوچانی، عزیزالله. (۱۴۱۳ق). مسند الإمام الرضا ابی الحسن علی ابن موسی علیهم السلام. بیروت: دارالصفوة.
- عیاشی، محمد بن مسعود. (۱۳۸۰ق). تفسیر العیاشی. تحقیق: سید هاشم رسولی محلاتی. تهران: المطبعة العلمية.
- فایضی، علی. (۱۳۷۸). تربیت، روش‌ها، اخلاق. تهران: طراحان نشر.
- فقیه اسفندیاری، مصطفی. (۱۳۹۱). سیری در منظومه تربیتی - اخلاقی امام رضا علیهم السلام. تهران: انتشارات امام صادق علیهم السلام.
- فقیهی، سید احمد. (۱۳۹۳). روش‌های تربیت اخلاقی در المیزان. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). الکافی. تحقیق: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی. چاپ چهارم. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- معین، محمد. (۱۳۹۱). فرهنگ فارسی. تهران: امیرکبیر.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران. (۱۳۷۱). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مفید، محمد بن محمد. (۱۴۱۳ق «الف»). الإختصاص. قم: المؤتمر العالمي لالفیة الشیخ المفید.
- _____ . (۱۴۱۳ق «ب»). الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد. قم: کنگره شیخ مفید.
- نجفی، شیخ محمد حسن. (۱۳۶۷). جواهر الکلام فی شرائع الاسلام. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- هنرمند، سید مرتضی. (۱۳۹۱ق). «عدل الهی و کارآمدی نظام تربیتی اسلام». مجله اندیشه نوین دینی. ش ۳۰. صص: ۱۱-۲۳.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی